

نوروزتان پیروز! پیام نوروزی حمید تقوایی، لیدر حزب کمونیست کارگری

صفحه ۲



شهلا دانشفر

سال نوبر همه شما مبارک باد

سال تازه را به امید سالی پر از شادی و موفقیت به همه شما عزیزان شادباش میگوییم. میدانیم که جای بسیاری از عزیزانمان برای همیشه خالیست. میدانم که بسیاری از عزیزانمان همچون سپیده قلیان، شاپور احسانی راد، گلرخ ایرایی، و اسماعیل عبدی و بسیاری دیگر در زندانند و نمیتوانند در این ایام نوروزی در کنارمان باشند. میدانیم از اینکه بختک جمهوری اسلامی این جرثومه جنایت و فقر و چپاول در جامعه هنوز بر سر کار است، همه مردم به امان آمده اند. اما هیچ کس نمیتواند منکر این شود که مردم این حکومت مافیایی و آدمکش را نمیخواهند. خودشان دارند از در پیش بودن آسانی "بدتر" از آبان ۹۸ و افتادن لوکومتیو نظامشان به سرازیری نابودی به یکدیگر هشدار میدهند. و ما در شرایطی سال ۱۴۰۰ را به پایان رساندیم که معلمان، بازنشستگان، کارگران نفت و بخش های مختلف کارگری و کل جامعه با اولتیماتوم دادن هایشان و با اعلام کیفرخواست و بیانیه های اعتراضی شان به استقبال سال ۱۴۰۱ رفتند. صحبت های کارگر بازنشسته نفت وقتی که فریاد زد و گفت "اینها کی هستند که باید در مورد زندگی ما تصمیم بگیرند؟ ما در سال ۵۷ جلوی رژیم (شاه) ایستادیم و رژیم را عوض کردیم. الان هم باید جلوی اینها بایستیم"، یک نمونه است و این فریاد رسای جامعه ایست که دادخواه است و حقش را طلب میکند. عزیزان تا همین جا گامهای بزرگی به جلو برداشته ایم و با اعتصاباتمان و با همه تلاشمان بدون شک خواهیم توانست انقلابی رهایی بخش و انسانی را رقم بزنیم و جامعه ای آزاد، برابر و شاد و انسانی را با دستهای خود بنا کنیم. به امید سالی پر از موفقیت و پیروزی

سال ۱۴۰۰ و نقطه عطف های مهم جنبش کارگری

شهلا دانشفر، صفحه ۶

بحث افزایش دستمزد و رابطه آن با تورم

کاظم نیکخواه، صفحه ۴

سال ۱۴۰۱ سال، همبستگی و اول مه تجلی این، همبستگی

یاشار سهندی، صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۱۹

۱ فروردین ۱۴۰۱

۲۱ مارس ۲۰۲۲



چهارشنبه ها منتشر میشود

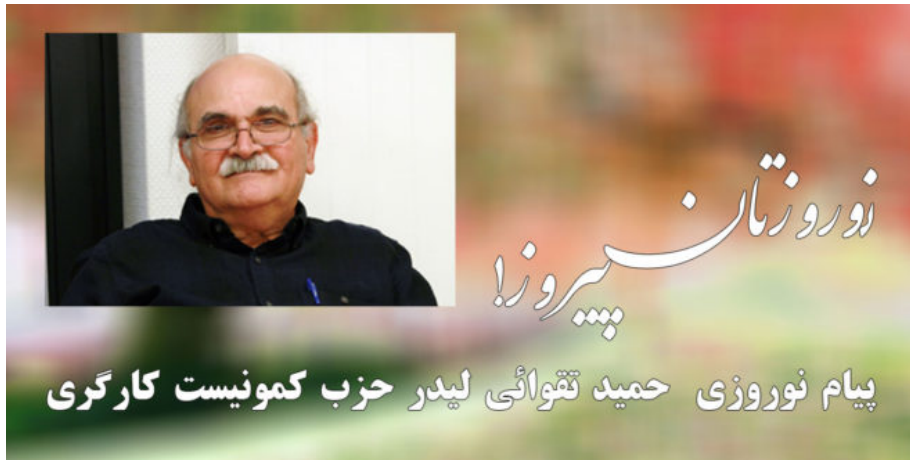
بازنشستگان نفت با خشم و
اعتراض تجمع کردند
صفحه ۵

معلمان خوزستان این بار
هم همکاران خود را تا
محل دادگاه همراهی
کردند
صفحه ۵

آی یو اف
(IUF) خواستار آزادی
مدافعان زندانی حقوق
کارگران در ایران شد
صفحه ۸

اخبار و نوشته هایی برگرفته از
مدیای اجتماعی
صفحات ۱۲-۸

نوروزتان پیروز! پیام نوروزی حمید تقوایی، لیدر حزب کمونیست کارگری ایران



فرارسیدن نوروز و سال نور به همه مردم ایران شادباش میگویم. نوروز در جمهوری اسلامی جشن مردم در برابر حکومت عزا و ماتم است. مضمون و پیام جشن نوروز شادی و سرزندگی و شکوفایی بهاری است در برابر تحجر و رکود و جمود زمستانی که جمهوری اسلامی مظهر آنست. این تقابل و مبارزه بین بالندگی زندگی و تباهی حکومت اسلامی در همه رویدادهای سال گذشته قابل مشاهده است. سال گذشته با خلع ید از کارفرمای هفت تپه و شعار اداره شورانی شروع شد، با "رای من سرنگونی است" ادامه یافت و با "مرگ بر پوتین و حامیانش" خاتمه یافت. در سالی که گذشت پیروزی کارگران نیشکر هفت تپه در مبارزه برای خلع ید کارفرمای فاسد خود، مبارزات سراسری کارگران نفت، تجمعات پرشکوه و مداوم معلمان و بازنشستگان در ده ها شهر، تجمع و تظاهرات توده ای و شورانگیز مردم خوزستان و اصفهان، و پیشرویهای چشمگیر جنبش دادخواهی در به محاکمه کشیدن ایادی و سران حکومت در دادگاههای بین المللی، از مهمترین دستاوردهای جنبش دفاع از زندگی و بالندگی بود. در صف مقابل، جمهوری اسلامی با انتصاب یکی از جنایتکارترین مهره های خود به سمت ریاست جمهوری تلاش کرد یک جامعه به خشم آمده و بپا خاسته را مرعوب کند و به عقب براند. اما کارگران هفت تپه و صنعت نفت با اعتصابات سراسری خود از او "استقبال" کردند و مادران دادخواه به نمایندگی از همه مردم، آشکارا و با سر افراشته، به سرنگونی جمهوری اسلامی رای دادند. سال ۱۴۰۰ سال پیشرویهای چشمگیر و با شکوه جنبش سرنگونی طلبانه ما مردم، و درماندگی و رسوائی و بی آبرویی هر چه بیشتر جمهوری اسلامی در ایران و در سطح جهانی بود. با امید اینکه سال تازه سال تعرض بیشتر و گسترده تر جبهه زندگی و بالندگی علیه حکومت مرگ و تباهی و سال وارد کردن ضربه نهائی به نظام جنایت و نکبت جمهوری اسلامی باشد. فرارسیدن سال نور یک بار دیگر به همه مردم ایران شادباش میگویم.

نوروزتان پیروز!

۲۶ اسفند ۱۴۰۰

ما کارگران نفت پیگیر حقوق های معوق و همچنین پرداخت عیدی و سنوات خود خواهیم بود. واقعیت اینست که مساله حقوقهای پرداخت نشده یک معضل سراسری در این ایام نوروزی است. با توجه به ابعاد گسترده آن و فضای اعتراضی در مراکز کارگری این موضوع میتواند علاوه بر نفت یک محور مهم برای اعتصابات سراسری در میان بخش های مختلف کارگران از جمله کارگران شهرداری، راه آهن، معادن و ... باشد. سال ۱۴۰۱ سال اعتراض گسترده کارگران خواهد بود.

به امید پیروزی کارگران و شکست همیشگی نظام سرمایه داری

یادداشت کارگری از نفت به کارگر کمونیست

با توجه با نزدیک شدن به پایان سال و افزایش هزینه های زندگی و مشکلات معیشتی بوجود آمده برای ما و خانوادهایمان متاسفانه بسیاری از پیمانکاران هنوز سه ماه حقوق پایان سال را پرداخت نکرده است. همچنین عیدی و سنواتی که حق کلیه کارگران از پیمانی و روزمزد و ... میباشد را قصد پرداخت ندارند. با اتحاد یکدیگر و باتوجه به اطلاع رسانی های کارگران همه

سال ۱۴۰۱ سال، همبستگی و اول مه تجلی این، همبستگی

یاشار سهندی

بخاطر این خواسته شکل گرفت اما این خواسته به مانند بسیاری از مطالبات دیگر جنبش کارگری به نفع کل جامعه بود. در سال ۱۴۰۱ خواست معیشت و منزلت انسانی خواست ۹۹ درصد جامعه است که پرچم این را هم کارگران به اهتزاز در آوردند. بنابراین می تواند اول مه سال ۱۴۰۱ تنها به عنوان متحد کننده کارگران (ترجیحا صنعتی) مطرح نباشد بلکه متحد کننده ۹۹ درصد جامعه حول پرچم کارگران باشد. این قدرت را باید در کف خیابان به خود جامعه نشان داد. تبلیغات امسال برای اول مه تماما باید معطوف به این باشد که تمام بخشهای معترض جامعه در روز اول مه در خیابان باشند تا به حکومتی که بی شرمانه می گوید میدانیم مردم گرسنه اند اما "چه کنیم!" بگویند کل ماجرای استثمار و بهره کشی به پایان رسیده است و جامعه از استثمار بیزار است.

کابوس سرمایه و مزدوران آن می تواند به واقعیت تبدیل شود چون بستر آن فراهم است. اول مه سال ۱۴۰۱ می تواند تداعی کننده اول مه ۵۸ باشد، و این بار اما در پایان کار رژیم اسلامی سرمایه. این روز می تواند به روز اعتراض کل جامعه و نمایش قدرتمند از اعتراض و شروع همبستگی سراسری مبارزات بخشهای مختلف جامعه در کل کشور تبدیل شود و این دیگر اما دست فعالین کارگری را نمی بوسد! بلکه تمام رسانه های مدعی چپ و کمونیست، از رسانه های اجتماعی تا برنامه های تلویزیونی ماهواره ای باید همت خود را برای شکل گرفتن چنین همبستگی بگذارند. در این فرصت باید این نکته ثابت شود که اول مه تنها یک "جشن کارگری" نیست بلکه این روز نماد همبستگی مبارزاتی کل جامعه است. اگر در بیش از یک قرن پیش بر ۸ ساعت کار در این روز تاکید شده بود و اساسا این روز

فُرَق خود در آوردند تا اعتراض بخشهای گوناگون جامعه به وضعیت معیشت فلاکت بار خود که حتی کارکنان مثلا دادگستری حکومت را هم در برگرفت. از تداوم یکشنبه های اعتراضی بازنشستگان تا اعتراضات و اعتصابات بی شمار و پایان ناپذیر کارگران در سراسر کشور. از به میدان آمدن دوباره کارگران فولاد اهواز تا تشکیل مجمع عمومی های گسترده در میان کارگران نفت که گوشه ای از اداره شورایی را به نمایش گذاشتند و از مبارزات پرشور معلمان باید گفت که یکپارچه و متحدانه در سراسر کشور رژیم را به وحشت انداختند. و در این لیست نمی توان از مبارزات جنبش زنان و جنبش ضد مذهب و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تا مبارزه شجاعانه خود زندانیان سیاسی و... گذشت که هر کدام به نوبه خود ضربه ای بر پیکر فاسد حکومت اسلامی بود.

خبرگزاری ایلنا خبر داده که در روز دوشنبه بیست و سوم اسفند ۱۴۰۰ جلسه ای با حضور اعضای مرکزیت تشکل خانه کارگر جمهوری اسلامی به ریاست علیرضا محبوب تشکیل شده است. موضوع جلسه اما بسیار مهم و در رابطه با آماده سازی این تشکل ضد کارگری برای اول مه سال ۱۴۰۱ بوده است. خبرگزاری فوق هیچ اشاره ای نمی کند که محتوای صحبت مزدوران سرمایه در این رابطه چه بوده اما مشخص است که دارند خودشان را برای چیزی آماده می کنند و کیست که نداند در تشکلات سیاهی که حکومت علیه کارگران سازمان داده، بحثها حول چه اموری صورت می گیرد. سوال اما این است که چه شده که ایشان این چنین زود به فکر سازمان دهی خود برای مقابله با کارگران در اول مه افتاده اند؟

جواب را باید در مبارزات سالهای اخیر جستجو کرد. ما شاهد بودیم که در سال ۱۴۰۰ چگونه دامنه این مبارزات در تمام سطوح جامعه علیه جمهوری اسلامی سرمایه گسترش یافت. کمتر روزی در سال ۱۴۰۰ وجود دارد که این مبارزه تعطیل بوده باشد. از اعتراضات بر سر آب در خوزستان تا رای به سرنگونی رژیم در ایام انتصاب رئیسی قاتل به ریاست جمهوری. از "تریونهای آزاد" که حکومت برای تشویق به رای دادن شکل داد اما مردم این تریونها را به دست گرفتند و حکومت اسلامی را محکوم کردند و تا رای به سرنگونی مادران دادخواه آبان ۹۸. از اعتصاب یکپارچه و سراسری کارگران پیمانی شرکت نفت در فردای انتصاب جلال ۶۷، که این مبارزه بی نظیر چندین ماه به طول کشید تا پیروزی کارگران نیشکر هفت تپه در خلع ید از باند اسدیگی و بر دوش بردن رهبران کارگران و تا به گل گرفتن درب شورای اسلامی در این کارخانه. از اعتراضات کشاورزان اصفهان که شهر را به مدت یک هفته به

یک بازنشسته

به استقبال نوروز میرویم!!!!

بازار شلوغ ست و مردم بدنبال اجناس مورد نیاز ایام عید، در ماه اسفند بعد از گرفتن عیدی چندرغازی، چندین بارست که به بازار رفته و ساعتها مغازه ها را نظر میندازیم و قیمت ها را جستجو و بناچار خسته و خشمگین، از خرید، منصرف شده ولی باز فردایش روانه ی بازار میشویم شاید به نقاطی دیگر از شهر رفته و جنس ارزاتری پیدا کرده و دست خالی بمنزل برنگردیم ولی فاصله جیب و اقلام ضروری مورد نیاز، زمین تا آسمان ست. خود که هیچ، بخاطر حفظ روحیه ی بچه ها دربر در پی اجناس بنجل و بی کیفیت و ارزانیم که فقط رنگ و رویی نو داشته باشد، تا مدت زمان کوتاهی، آنان را دلخوش نگه دارد!

شرمتان باد که خود غرق در ناز و نعمتید اما بیرحمانه نوروز ما را نیز با این عیدی و حقوق های حقیرانه، همچون سایر ایام سال، سرشار از دغدغه نمودید!!!

«شما که تورأس نشستید، از عاقبت کار بترسید»

معیشت؛ رفاه و شادی حق ماست، آنرا پس میگیریم!

شورای بازنشستگان ایران (از مدیای اجتماعی)



بحث افزایش دستمزدها و رابطه آن با تورم

بعضی ها میگویند افزایش دستمزدها باعث تورم میشود نمی پذیرند.

کاظم نیگخواه

در سیستم سرمایه داری نیروی کار کالا است و کارگر فروشنده نیروی کار است. اما این تنها کالایی است که فروشنده اجازه و امکان تصمیم گیری در مورد قیمت کالایش را ندارد. دولت تعیین میکند حداقل دستمزد چقدر باشد. کارفرما تعیین میکند چقدر در عمل دستمزد به کارگر یعنی فروشنده نیروی کار میدهد. کارگر بنا به عرف ناچار است به هرچه آنها تصمیم میگیرند رضایت دهد. چرا که مثل فروشندگان دیگر نیست که اگر جنسش فروش نفت آنرا در انبار نگاه میدارد و سال بعد گرانتر میفروشد. نیروی کار را باید هر روز فروخت. یعنی کارگر مجبور است مزد بگیرد و کار کند و گرنه محروم و گرسنه میماند.

همه اینها به ما چه میگویند؟ یعنی ما با یک سیستم غیر عادلانه و غیر منطقی روبرو هستیم. کسی که کار میکند و تمام کالاهای را تولید میکند محرومترین و نادرترین و بی اختیارترین کس در این جامعه است. و نتیجه کارش به جیب قشر انگلی میروند که خاصیتی جز بالا کشیدن نتیجه کار دیگری را ندارد.

اما بگذارید مختصراً به مساله گرانی و تورم هم اشاره عمومی تری بکنم. ببینید در سیستم سرمایه داری متعارف اساساً دو نوع بحران خود را بتناوب نشان میدهد. تورم و رکود. وقتی بحران تورمی وجود دارد تقاضا برای کالاهای افزایش مییابد و عرضه پاسخگوی تقاضا نیست و قیمتها افزایش می یابد. ممکن است فقط عرضه برخی کالاهای اساسی جوابگوی تقاضا نباشد. بفرض همه دنبال خرید اتومبیل و یا خانه هستند و قیمت اینها بالا می رود و همین روی قیمت دیگر کالاهای هم تاثیر میگذارد. نتیجه این میشود که سرمایه ها سریعاً به سمت کالاهایی که تقاضای بیشتری برای آنها وجود دارد حرکت میکنند و در بازه زمانی ای حدوداً دو سال تولید گسترش می یابد و عرضه کالاهای نایاب زیاد میشود و قیمت آنها با دیگر کالاهای تناسب پیدا میکند و بحران بدرجه زیادی رد میشود. در

جمهوری اسلامی حداقل دستمزد را به میزان ۵۷ درصد برای سال ۱۴۰۱ افزایش داده است. این یعنی حداقل دستمزد کارگران به حدود ۴ میلیون و ۱۷۹ هزار تومان میرسد و با احتساب حق اولاد و حق مسکن و غیره بطور متوسط به بالای ۶ میلیون میرسد که همچنان کمتر از نصف خط فقر اعلام شده کنونی است. اما همین افزایش ناچیز هم فوراً صدای کارفرمایان و برخی از نمایندگان حکومتی را در آورده که افزایش دستمزد تورم آفرین است. اینجا میخواهم مختصراً به این بحث پاسخ دهم که معنای این بحث چیست و چه جایگاهی دارد.

وقتی حکومت و کارفرمایان و سرمایه داران میگویند افزایش دستمزد باعث تورم میشود میدانید معنایش چیست؟ این اعتراضی به این حقیقت است که پولی را که ما با این دست به عنوان افزایش دستمزد به کارگر میدهیم، با دست دیگر با تورم پس میگیریم. اما اینکه دستمزد باعث تورم میشود بهانه ای است برای توجیه تورم و گرانی سرسام آوری که جریان دارد. باید از اینها که این ادعا را میکنند سوال کرد که بسیار خوب. سوال اینست که چرا دستمزد ۵۰ درصد افزایش پیدا میکند و تورم و گرانی ۵۰۰ درصد است؟ سال گذشته افزایش دستمزد حول و حوش ۳۰ درصد بود. اما تورم و گرانی در ایران سیصد چهار صد در صد بود. آیا دستمزد باعث این همه گرانی شد؟ آیا معنایش این نیست که کارگر که همه کالاهای و خدمات را تولید میکند ناچار است چندین برابر سال قبل برای خرید همان کالاهای بپردازد؟ و خانواده و فرزنداناش گرسنه تر و محرومتر از قبل بمانند؟ باید به آنها که چرخ اقتصاد حاکم را در دست دارند گفت اجازه دهید دستمزد کارگر و تورم و گرانی به یک نسبت و همزمان با افزایش قیمت دیگر کالاهای، افزایش یابد. که تازه معنایش اینست که قدرت خرید کارگر نسبت به سال قبل تغییری نکند. همین را هم در عمل مطلقاً

نوع دیگر بحران که رکود است، عرضه بر تقاضا میچربد. یعنی کالاهای خریداران کافی ندارند و به قول کاسبها جنس روی دستشان میماند. در نتیجه تولید آن کالاهای افت میکند و قیمت هم افت میکند. اما بتدریج با افت قیمت، قدرت خرید مردم بیشتر میشود و عرضه هم در این فاصله کاهش می یابد و همین باعث افزایش تدریجی قیمتها و روی آوری به خرید یعنی افزایش تقاضا میشود. و به این شکل عرضه و تقاضا بدرجه ای متوازن میشوند و بحران کاهش می یابد. اینجا البته باید به نقش دولت هم اشاره کرد که در شرایط رکود و تورم معمولاً با چاپ بیشتری اسکناس، یا با جمع کردن پول در گردش و با اقدامات دیگر اقتصادی تلاش میکند در کاهش تورم یا رکود تاثیر بگذارد و بحران را تخفیف دهد. این بیان ساده ای از کارکرد بحرانها و عرضه و تقاضا در سیستم سرمایه داری در یک حالت معمول و متعارف است.

البته واقعیت بسیار پیچیده تر است و با هر تورم و رکودی بحران سرمایه داری عمیق تر میشود و بخشی از سرمایه داران ورشکست و حذف میشوند و سرمایه داران بزرگ کنترل و انحصار بیشتری بر سرمایه ها پیدا میکنند و تضادهای طبقاتی میان کارگر و سرمایه دار عمیق تر میشود.

اما در اقتصاد جمهوری اسلامی مساله بسیار پیچیده تر از اینهاست. اینجا بطور همزمان تورم و رکود حاکم است. یعنی ما با یک بحران عمیق و مزمن اقتصادی سروکار داریم که باعث شده است که تورم و رکود همزمان وجود داشته باشند. الان اگر دقت کنید هم قیمتها بسرعت هر روز دارد بالا می رود و هم مراکز تولید زیر

ظرفیت کار میکنند و رشد قیمتها باعث افزایش تولید نمیشود. در برابر این بحران این حکومت حتی اگر بخواهد کار چندانی نمیتواند بکند. چون ریشه این بحران در خود حکومت است یعنی اساساً سیاسی است. به این دلیل که اولاً بطور مثال یک اقلیت کوچک پولهای نجومی از طریق اختلاسها و بالا کشیدن ثروتهای اجتماعی و غیره در دست دارد و با دست و دل بازی بخشی از این پولهای نجومی را با حیف و میل و با خرید کالاهای لوکس و وارداتی و غیر وارداتی به جامعه پمپاژ میکند و این خود باعث تورم جهشی زیادی در جامعه میشود. به علاوه به دلیل سیاستهای بین المللی جمهوری اسلامی و انزوای حکومت و بحران سازیهایی بین المللی و غیره ارزش پول این کشور مدام کاهش می یابد و قیمت برخی کالاهای به صورت نجومی افزایش می یابد و این سریعاً روی همه کالاهای تاثیر میگذارد. کار بجایی میرسد که در مقاطعی و در زمینه هایی فروشندگان فقط با دلار حاضر به فروش کالایشان میشوند و برای ریال ارزشی قائل نیستند. در عین حال فروشندگان میگویند جشنهایشان روی دستشان مانده چرا که مردم قادر به خرید لباس و وسائل خانه و حتی میوه نیستند و میوه ها دارد خراب میشود. هم رکود است هم تورم و گرانی.

معلمان خوزستان این بار هم، همکاران خود را تا محل دادگاه همراهی کردند

مطالبات خود هستند. معلمان بارها اعلام کرده اند که این سرکوبگری ها آنها را مرعوب نخواهد کرد و مصمم تر پیگیری خواستههای برحق خود هستند. یدین ترتیب معلمان الگویی برای همه بخش های معترض در سطح جامعه علیه سرکوبگری های حکومت ارائه میدهند.

حزب کمونیست کارگری از خواستها و مبارزات معلمان قاطعانه حمایت میکند. پرونده سازی ها علیه معلمان باید فوراً متوقف شود، پرونده های تشکیل شده باطل گردد و معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ اسفند ۱۴۰۰، ۱۶ مارس ۲۰۲۲



شدن عزیز قاسم زاده از معلمان این شهر انجام گرفت. در رودسر جمعیت بزرگی از معلمان که از چندین شهر استان برای همراهی با همکار خود آمده بودند در مقابل دادگاه تجمع کردند.

معلمان با اعلام همبستگی و همراهی با همکاران احضار شده خود، در برابر سرکوبگری های حکومت ایستاده و پیگیری

اعتراض علیه پرونده سازی های امنیتی و دادگاهی کردن فعالین معترض و مطالبه گر است که معلمان پیشتاز آن هستند. نظیر همین حرکت اعتراضی در قزوین در جریان برگزاری دادگاه برای سه معلم معترض این شهر به اسامی مریم زیرک، اسماعیل فرهنگ منش و علی اله بخش و در رودسر در ۲۱ اسفند در جریان دادگاهی

امروز ۲۵ اسفند جمعی از معلمان خوزستان به عنوان اعلام همبستگی، ۵ نفر از همکاران خود را که از سوی شعبه ۱۲ بازپرسی دادگاه اهواز احضار شده بودند همراهی کردند. معلمان احضار شده به اسامی بهنیا بهمنی نژاد، شهریار شیروانی، سیامک چهارزی، اقبال تامرادی و کوکب بداعی در این روز در بازپرسی اسلامی حاضر شدند اما برگزاری جلسه دادگاه کذایی به بعد از تعطیلات نوروز موقوف گردید. قبل از آن نیز در هفدهم اسفند معلمان این شهر در اعتراض به احضار همکاران خود به دادگاه با راهپیمایی سه همکار خود فرنگیس نسیم پور، علی کروشات و پیروز نامی را تا محل دادگاه همراهی کردند. تبدیل محل دادگاهها به محل تجمع اعتراضی شکل نوینی از

بحث افزایش دستمزدها و رابطه آن با تورم

مقدار ناچیز هم به دستمزدها اضافه نمیشد. در واقع همه این جنبه هایی که اشاره کردم این را بیان میکند که راه دیگری جز پایان دادن به این سیستم بحران زده و فاسد و دزدسالار و استثمارگرانه، برای دست یابی به زندگی انسانی وجود ندارد. و این طبقه کارگر است که بیش از هر بخش دیگری از جامعه قربانی این سیستم ناعادلانه و استثمارگرانه است و در عین حال طبقه ای است که قدرت و امکان پایان دادن به این سیستم را با اعتصابات و اعتراضات و رهبری کل جامعه دارد. بی تردید در سال جدید شاهد اعتصابات و اعتراضات و تجمعات کارگران و معلمان و بازنشستگان و پرستاران و بخشهای محروم جامعه علیه کل سیستم چپاول موجود خواهیم بود. چون راهی جز این برای مقابله با مفتخوران سرمایه دار حاکم وجود ندارد.

تحلیل نماید.

حزب کمونیست کارگری

۱۵ اسفند ۱۴۰۰، ۶ مارس ۲۰۲۲

وضعیتی است. با هیچ دارو و استراتژی اقتصادی ای نمیتوان آنرا علاج کرد. باید کل سیستم سیاسی یعنی حکومت را کنار زد و اقتصاد و سیاست را از نو سازمان داد. این اساس مساله بحران و تورم در جامعه است. با این توضیح میخواهم بگویم که این بحث که افزایش چنددرغاز دستمزد باعث تورم میشود یک حرف پوچ و بی پایه است. اینها میخواهند کارگری که چندین بار زیر خط فقر زندگی میکند هر سال چندبار بیشتر فقیر و نابود و شود و در برابر افزایش چند برابری قیمتها، حتی همان دستمزد ناچیز و زیر خط فقرش هم اضافه نشود. اما قیمتها همچنان نجومی و چند صد در صد بالا برود.

جواب اینها را کارگران با مبارزات و اعتصابات و تجمعات هر روزه شان داده اند. و در واقع جواب این نوع تلاشها و بحثهای ضد کارگری و ضد انسانی زور و مبارزه است. اگر این مبارزات نبود همین

محرومیت و فقری است که حکومت اسلامی سرمایه داران میخواهد به همه بخشهای کارگری و اکثر حقوق بگیران

بازنشستگان نفت با ششم و اعتراض تجمع کردند

جامعه هستند که زیر فشار شدید معیشتی قرار دارند. بازنشستگان تامین اجتماعی، صنایع فولاد، مخابرات و معلمان بازنشسته بارها دست به تجمع و اعتراض زده و با اعتراضات سراسری بر خواستههای خود پافشاری میکنند. با به میدان آمدن بازنشستگان نفت این اعتراضات ابعاد وسیعتری می باید.

از خواستها و اعتراضات بازنشستگان باید وسیعاً حمایت کرد. اعتراضات بازنشستگان میتواند در پیوند با اعتراضات کارگران شاغل و معلمان و دیگر بخشهای حقوق بگیر جامعه یک جنبش وسیع و قدرتمند علیه چپاول و اختلاسها و تبعیضات را به جریان بیندازد و توطئه مفتخوران حاکم برای تشدید زندگی زیر فقر به بخشهای مختلف طبقه کارگر را خنثی نماید. بویژه با توجه به تعیین دستمزد ریاضتی و نازل برای سال ۱۴۰۱، بهم پیوستن اعتراضات بازنشستگان و شاغلین و معلمان و پرستاران یک ضرورت حیاتی برای مقابله با چشم انداز

بنا به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت روز ۲۳ اسفند کارگران بازنشسته نفت در چندین شهر تجمع کردند و برای پیگیری مطالبات فوری خود دست به اعتراض زدند. این تجمعات از جمله در شهرهای تهران، اصفهان، شیراز و شاهین شهر برگزار شد. در تهران یکی از کارگران بازنشسته با ششم و عصبانیت نسبت به حقوقهای پایین اعتراض میکند و میگوید حقوق بازنشستگان نفت در ردیف شانزدهم قرار دارد. او ادامه میدهد که "اینها کی هستند که باید در مورد زندگی ما تصمیم بگیرند؟ ما در سال ۵۷ جلوی رژیم (شاه) ایستادیم و رژیم را عوض کردیم. الان هم باید جلوی اینها بایستیم". خواستههای فوری کارگران بازنشسته نفت عبارتند از بهبود وضع مستمریها، پرداخت تمام معوقات مزدی ده درصد سال ۹۹، همسانسازی حقوق بازنشستگان و بازماندگان هم سطح شاغلین.

بازنشستگان بخش بسیار معترض



سال ۱۴۰۰ و نقطه عطف‌های مهم جنبش کارگری

شهلا دانشفر

سال گذشته سال کولاک جنبش کارگری یا بهتر است بگویم جنبش طبقه کارگر بود. وقتی از جنبش کارگری سخن می‌گویم باید فوراً توضیح دهم که به اعتراضات و اعتصابات و تجمعات گسترده کارگران شاغل و بیکار، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و همه بخشهای محروم و کارکن جامعه اشاره دارم که کاملاً به هم تنیده هستند. جنبش کارگری در سال گذشته بسیار گسترده و هر روزه بود. اینجا به چند نقطه عطف مهم آن می‌پردازم. اعتراضات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه، اعتصابات سراسری کارگران پیمانی نفت، یکشنبه‌های اعتراض بازنشستگان و اعتراضات سراسری و حماسی معلمان در سال ۱۴۰۰ نقطه عطف‌های مهم جنبش کارگری در سال گذشته بودند. نقطه عطف‌هایی که جنبش کارگری را بطور واقعی وارد فاز جدیدی نموده و چهره آنرا بیش از پیش متحول کرده است.

در نیشکر هفت تپه ظاهراً حکم خلع ید از اسدیگی این سردسته باند مافیایی حاکم بر این شرکت داده شده بود، اما مبارزه کارگران از همان آغاز سال ۱۴۰۰ علیه توطئه‌گری‌های حکومتیان و مقامات مسئول در جهت عقب زدن مبارزاتشان و نگاهداشتن اسدیگی بر سر کار ادامه یافت. تا اینکه سرانجام در مهرماه بود که در نتیجه ۵ سال مبارزه حماسی این کارگران اسدیگی خلع ید شد و از هفت تپه بیرون رانده شد. نیشکر هفت تپه و باند مافیایی اسدیگی که مستقیماً در اتصال با بخش‌های مختلف حکومتی بود، آینه‌ای تمام عیار از بساط سرمایه‌داری مافیایی حاکم در ایران است. از همین رو مبارزه این کارگران چالش کل این سیستم دزدی و چپاول بود و موفقیت آنان ضربه‌ای بر این ساختار پایه‌ای جمهوری اسلامی بود که به کل کارگران و جامعه راه نشان داد. کارگران نیشکر هفت تپه همچنین در مبارزاتشان با تأکید بر تصمیم‌گیری جمعی و نیز با پافشاری بر مدیریت شرکت

تحت اداره شورایی و اعلام اینکه مجمع عمومی ۵ هزار نفره و مجمع نمایندگی منتخب مجمع عمومی آنها، تشکل واقعی آنهاست، عملاً سنگ بنای شورا‌های کارگری را گذاشتند. بدین ترتیب این کارگران همراه با جلو آوردن گفتگان اداره شورایی و قراردادن آن در مقابل کل جامعه خود عملاً دست بکار ایجادش شدند. با اتکاء به این قدرت بود که این کارگران در مبارزاتشان وارد عمل مستقیم شدند. شروع به اخراج مدیران فاسد و ضدکارگری از شرکت کردند و بعد نیز با گل گرفتن در شورای اسلامی بساط این نهادجاسوسی و ضد کارگری در این کارخانه را جمع کردند. کارگران نیشکر هفت تپه با همین قدرت توانستند مقابل سرکوبگری‌های حکومت بایستند، همکاران بازداشتی خود را آزاد کنند و فشار بیاورند که از اتهاماتی که بر آنها بسته شده بود، تبرئه شوند. و امروز نیز پیگیر دیگر مطالباتشان هستند. و این چنین بود که نیشکر هفت تپه پایتخت اعتصابات جهان نام گرفت.

کارگران نیشکر هفت تپه همواره تأکیدشان این بوده که خلع ید از اسدیگی تازه شروع کار آنها برای پیگیری مطالباتشان است. تاکنون بخشی از مطالبات آنها از جمله پرداخت حقوقهای معوقه و به روز شدن آن، بازگشت به کار شماری از اکثر کارگران اخراجی و بسته شدن قرارداد بخشی از کارگران فصلی پاسخ گرفته است. اما بخش دیگری از مطالبات آنها از جمله بازگشت به کار اسماعیل بخشی نماینده محبوبشان، پایان دان به ادامه کاری عناصری از باند اسدیگی در شرکت، مخومه شدن پرونده فرزانه زیلابی وکیل آنها و آزادی سپیده قلیان هنوز عملی نشده است و کارگران پیگیر این مطالبات هستند و در عین حال افزایش سطح حقوقها یک خواست فوری آنهاست و نیز به خلف وعده‌ها معترضند و زمزمه‌های اعتراض در میانشان شدت گرفته است. بعلاوه متأثر بودن کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز از مبارزات یکدیگر یک نکته قابل توجه است. از

جمله در فولاد نیز ما شاهد تلاش کارگران برای شکل دادن به مجامع عمومی خود به عنوان مکانی برای متحد کردن صف مبارزاتشان و مقابله با شورا‌های اسلامی بودیم. در آنجا نیز مبارزه با مدیران فاسد و ضد کارگر و تلاش برای بیرون انداختن آنها از شرت بخش مهمی از اعتراضات کارگران این مجتمع کارگری بوده و هست. نقطه عطف دیگر در جنبش کارگری در سال گذشته اعتصابات سراسری کارگران پیمانی نفت بود. کارگران پیمانی نفت که در سال ۹۹ در اعتراض به قراردادهای برده وار پیمانی و شرایط دشوار معیشتی و کاری خود اعتصابی سراسری داشتند، در سال گذشته قدرتمند تر به میدان آمدند و با ورود هزاران کارگر پیمانی نفت به اعتصاب و کشیده شدن دامنه اعتراضات آنها به دیگر مراکز نفتی خونی جدید در شریان فضای اعتراضی جنبش کارگری و کل جامعه جاری شد. این اعتصابات دامنه اش به بیش از ۱۱۴ مرکز نفتی کشیده شد و در سالهای اخیر بی سابقه بوده است. اعتصابی در چنین ابعاد گسترده فضای اعتراض و مبارزه در مراکز نفتی را متحول ساخت. کارگران نفت با اعتراضات سراسری خود بطور واقعی ضربه محکمی به بساط پیمانکاران مفتخور و قوانین یا در واقع بی قانونی "مناطق ویژه اقتصادی" و نیز بر فضای امنیتی حاکم بر مراکز نفتی که سه پایه اصلی ساختار مراکز نفتی هستند زدند. بویژه کارگران نفت با مبارزات خود خواست برچیده شدن بساط پیمانکاران که شکل غالب ساختارهای محیط‌های کاری در سطح سراسری است را قدرتمند تر به کف خیابان کشاندند و این اعتراضات تأثیرات خود را بر مبارزات بخش‌های وسیعتری از جنبش کارگری چون کارگران شهرداری، راه آهن، برق، معادن و آتش نشانی را که با همین معضل روبرو هستند، گذاشت و به مبارزات کارگران در این بخش‌ها تحریک بیشتری داد و بر فضای اعتراضات سراسری در این بخش‌ها دامن زد. همچنین شکل‌گیری "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی

نفت" که خیلی زود جای خود را در میان کارگران و در جامعه باز کرد یک حرکت بسیار پیشرو و به موقع بود. پس از آن نیز شاهد این بودیم که کارگران پیمانی مجمع عمومی بزرگ خود را در هفشجان و متعاقب آن در ایزد و کرمانشاه و مرکزی دیگر برپا کردند و اینها رویدادهایی مهم در نفت بود. نفت بود. بدین ترتیب جنبش شورایی که سنگ بنایش را کارگران نیشکر هفت تپه گذاشته بودند گامی مهم به جلو برداشت و راه عملی سازمانیابی توده‌ای کارگری را جلوی کل جنبش کارگری قرار داد. در متن همین مبارزات بود که ما همچنین شاهد مقابله کارگران نفت با شورا‌های اسلامی این نهاد‌های دست‌ساز حکومتی بودیم. و در عین حال در جاهایی دیدیم که کارگران با انتخاب نمایندگان واقعی خود پیمانکاران دزد و چپاولگر را وادار به مذاکره برسر خواسته‌های جمعی خود کردند. در نتیجه در جایی چون نفت که با سپرده شدن هر بخش از آن به یک پیمانکار، بخش بخش شده است. کارگران با اتکاء به جنبش مجمع عمومی به سوی قرار دادهای دسته جمعی که نتیجه درجه‌ای از سازمانیابی مبارزات آنها بود، حرکت کردند و این نیز تحولی مهم در مبارزات این کارگران و جنبش کارگری بود. از سوی دیگر بازنشستگان خالق یکشنبه‌های اعتراض یک بخش دیگر از جنبش کارگری و دائم در اعتراض هستند که به سهم خود نقش مهمی در جلو آوردن خواست درمان رایگان به عنوان یک خواست سراسری کل جامعه داشته‌اند. بازنشستگان با یکشنبه‌های اعتراض و با اعتراضاتشان علیه فقر و تبعیض و نابرابری و اختلاسها و دزدی‌ها تأثیر به‌سزایی در فضای رادیکال مبارزات در سطح جامعه داشته‌اند. و همین امروز بخش‌های



کرونا و حمره کره حکومت، سماهاری

از صفحه ۶

سال ۱۴۰۰ نقطه عطف‌های...

نجات دهند. حکومت ایران اما برخورد متفاوتی به کرونا داشت. انکار خطرناک بودن آن، عدم پذیرش مسئولیت، نادیده گرفتن فاصله گذاری اجتماعی بر خلاف دیگر کشور های جهان، برگزاری مراسم مذهبی و دعوت مردم به حضور درامامزاده ها و ممنوع کردن واردات واکسن های غربی، از جمله اقدامات حکومت بود. در این شرایط پزشکان و پرستاران با کمترین امکانات از جان مایه گذاشتند تا جلو درو شدن هستی و زندگی شهروندان را بگیرند. حکومتی که بودجه مراکز اشاعه خرافه و دم و دستگاه مغز شویی اش، دهها بار بیشتر از بودجه بهداشت، درمان، رفاه و ترویج علم و دانش است، باید از جمله به دست پرستاران به زیر کشیده شود. آن روز نزدیک است.

برگرفته از ژورنال ۶۳

دبیر کل خانه پرستاران ایران: "ایران در دوران کرونا از نظر قربانیان پرستاری، جزء اولین کشورهای جهان بود."

جمهوری اسلامی در همه موارد رفاهی مقام آخر را دارد و وقتی پای مرگ و میر و اعدام و زندان میرسد رتبه اول. دو سال پیش وقتی کرونا جهانی شد، همه در سراسر دنیا شاهد از خود گذشتگی های پرستاران بودیم. قهرمانی هایی که جانهای بسیاری را نجات داد. فداکاری این انسانهای شریف زبانزد شد. در اروپا چند ماه بعد از همه گیری کرونا، غروبها مردم در بالکنها به افتخار پرستاران کف میزدند.

چشم امید همه به دنیای علم و پزشکی بود، تا با تهیه واکسن، بشریت را

میداند. مسبب قتل مونا حیدری را کل این نظام و قوانین ضد انسانی اش میخواند، به حقوق های نجومی و تبعیض ها و نابرابری ها اعتراض دارد و هر جا که سخنش شنیده نشود خود مستقیماً وارد عمل شده و اعلام جنگ میدهد. این جنبشی است که معیشت، منزلت، حق مسلم ماست شعارش است و از آزادی و برابری سخن میگوید. و ما بازتاب همه اینها را به روشنی در بیانیه ها و قطعنامه ها و در گفتمان های هر روزه جنبش کارگری و بخش های مختلف طبقه کارگر در مدیای اجتماعی می بینیم. این جنبشی است که با حرکت پرشتاب خود گفتمان های چپ، رادیکال و انسانی را به گفتمان های کل جامعه تبدیل کرده و

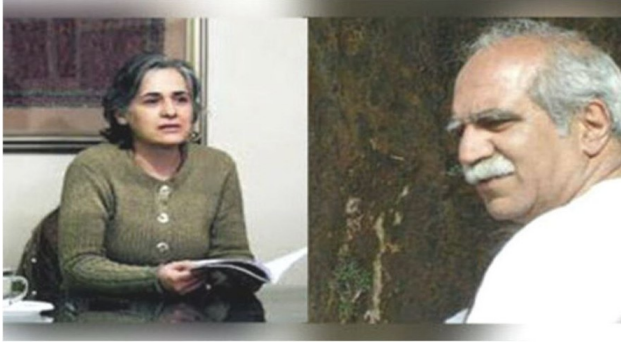
کل جامعه را نمایندگی کردند و بنا بر موقعیت اجتماعی خود در اتصال با جمعیت میلیونی خانواده های دانش آموزان و کل جامعه توانستند بیشترین حمایت های اجتماعی را از مبارزات خود بدست آورند. با اتکاء به این نیروی بزرگ اجتماعی بود که اعتصابات و تجمعات سراسری معلمان شکل گرفت و آنها توانستند به قطب قدرتمندی در مبارزات کارگری تبدیل شوند. از جمله معلمان در مقابل حکومت کرونایی ایستادند و از تحصیل رایگان در همین ایام کرونایی برای نجات جان دانش آموزان سخن گفتند. بدنبال قتل مونا حیدری این قربانی قتل های ناموسی، آنها علیه کودک همسری و کودک مادری فریاد اعتراضشان بلند شد و بر آموزش غیر ایدئولوژیک و شاد و انسانی تاکید کردند. معلمان همچنین در مقابل سرکوبگری های حکومت ایستادند و با شعار "با اهل قلم هر که درافتاد و افتاد" به صدای بکتابش آبتین ها تبدیل شدند و در دفاع از همکاران خود که به دادگاه احضار میشدند، صحنه پیدادگاههای حکومت را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند. بدین ترتیب معلمان با مبارزاتشان در سال گذشته فضای اعتراض در تمام شهرها را تحرک و قدرت بخشیدند.

همه این تحولات و رویدادها و اعتراضات بسیار گسترده بخش های مختلف کارگری در سال ۱۴۰۰ چهره نوین و متحولی به جنبش کارگری بخشیده است. این جنبشی است که پیشاپیش جامعه حرکت کرده و دیگر محدود به مطالبات صرفاً "صنفی" نیست. بلکه این صدایی قدرتمند و رسا است که در دفاع از خیزشهای مردمی بلند میشود. علیه سرکوبگری های حکومت می ایستد. در اعتراض به کشتار جمعی حکومت کرونایی کیفرخواست میدهد و همصدا با مادران دادخواه، دادخواه است. این جنبشی است که چپاولگری های حکومت مافیایی حاکم را به چالش میکشد. روز جهانی زن را روز خود

مختلف بازنشستگان از جمله بازنشستگان تامین اجتماعی، فولاد، مخابرات، معلمان بازنشسته و بازنشستگان نفت را می بینیم که با اعتراضات متوالی خود پیگیر مطالباتشان هستند. از جمله سخنان پر از خشم و اعتراض یکی از این بازنشستگان در تجمع اعتراضی شان در همین روزهای پایانی سال نشانگر حال و هوای اعتراضات آنان و کل جامعه بود. کارگری که فریاد زد و گفت: "اینها کی هستند که باید در مورد ۵۷ زندگی ما تصمیم بگیرند؟ ما در سال ایستادیم و رژیم را (شاه) جلوی رژیم الان هم باید جلوی اینها عوض کردیم".

اما بخش دیگر از جنبش کارگری معلمان هستند که از آغاز مهر ماه سال ۱۴۰۰ مبارزات آنها وارد فاز جدیدی شد. کشیده شدن دامنه اعتصابات و تجمعات سراسری معلمان به بیش از ۱۵۰ شهر، تجمعات بزرگ و بعضاً چندین هزار نفره آنان با حضور چشمگیر زنان و خواستهای رادیکال و پشتناز آنان توجه کل جامعه را به سمت خود کشاند و اعتراضات قدرتمند آنان حماسی شد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در این سال با اتکای هر چه بیشتر به نمایندگان منتخب مجامع عمومی تشکلهای صنفی معلمان در شهرهای مختلف، به ظرف اتحاد سراسری معلمان و سازماندهی مبارزاتشان در ابعادی گسترده تبدیل گردید. بدینگونه معلمان توانستند الگویی از شکل سراسری و توده ای کارگری را با اتکاء به مجمع عمومی و اعمال اراده مستقیم بدنه معلمین بدست دهند. از همین رو مبارزات آنها گامی عملی در پیشروی جنبش شورایی در سطح جامعه بود و از این زاویه هم در راستای حرکت کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران نفت قرار گرفت و آترو تقویت کرد.

معلمان با مبارزاتشان علیه فقر و تبعیض و نابرابری و با خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان صدای اعتراض



صفرزاده و علیرضا ثقفی را فوراً و بدون قید و شرط آزاد کند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی بر آزادی فوری و بدون قیدو شرط هاله صفرزاده و علیرضا ثقفی و تمامی زندانیان سیاسی تأکید میکند. ۱۹ مارس ۲۰۲۲

ای بود که در نوامبر همان سال ایران را فرا گرفت و در آن صدها کارگر کشته و هزاران نفر دستگیر شدند.

سو لونگلی (Su Longley)، دبیر کل اتحادیه بین المللی حقوق بشر در ایران و در سطح بین المللی هشدار داده است که سرکوب مدافعان حقوق در سال ۲۰۲۲ به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. IUF از دولت ایران می خواهد که هاله

آسی یواف (IUF) خواستار آزادی مدافعان زندانی حقوق

کارگران در ایران شد

اساسی خود آگاه ساخته و از قربانیان سرکوب دفاع می کنند

این دو برای اولین بار همراه با دیگر مدافعان حقوق کارگران در ۲۶ آوریل ۲۰۱۹ در آستانه برگزاری جشن اول ماه مه در سراسر ایران دستگیر شدند. آنها در همان سال با اتهامات ساختگی «تبلیغ علیه نظام محاکمه و محکوم شدند»

این سرکوب مدافعان حقوق مدنی و کارگری در اول ماه مه ۲۰۱۹ مقدمه ای برای سرکوب وحشیانه تظاهرات گسترده

آی یواف در نامه ای خطاب به دولت ایران نوشته است که خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط مدافعان دیرینه حقوق کارگران هاله صفرزاده و علیرضا ثقفی می باشد. این دو نفر در ۲۰ اسفند ۱۴۰۰ دستگیر و بلافاصله برای اجرای حکم یکساله از ۱۳۹۸ به زندان کچویی کرج منتقل شدند.

صفرزاده، معلم و ثقفی، نویسنده و مکانیک خودرو، با کانون حقوق کارگران همکاری می کنند و کارگران را از حقوق

بازداشت کارگران زندانی صنفی معلمان ایران (تهران) در محکومیت بازداشت هاله صفرزاده و علیرضا ثقفی

ها مانع از آن اتفاقی که خود هشدار می دهید نخواهد شد.

رسیدگی واقعی به وضعیت معیشتی مردم، بویژه معلمان، کارگران و بازنشستگان و تمرکز واقعی بر منافع ملی به جای ماجراجویی های منطقه ای و بین المللی، تنها راه بهبود شرایط کنونی است که به نظر نمی آید حاکمیت کنونی توجهی به آن داشته باشد.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) اسفند ۱۴۰۰ (برگرفته از مدیای اجتماعی

معلمان، حضور موثری داشته است. علیرضا ثقفی نیز به عنوان یک فعال کارگری با ترجمه و تالیف کتاب های متعدد، همواره نقش موثری در آموزش نیروهای اجتماعی و مدنی داخل کشور ایفا کرده است.

لذا کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ضمن محکومیت بازداشت و حبس هاله صفرزاده و علیرضا ثقفی، به فرداستان حکومتی، و تصمیم گیران امنیتی هشدار می دهد، که تداوم این بازداشت

راستای جلوگیری از اتفاقی است که خود فرداستان سیاسی و نظامی آن را انفجار اجتماعی می نامند.

در نتیجه بازداشت روز های گذشته هاله صفرزاده و علیرضا ثقفی را نیز باید در چنین چارچوبی تحلیل کرد.

هاله صفرزاده اگر چه سالهاست از فعالان خوشنام کارگری است، علاوه بر آن معلم و عضو کانون صنفی معلمان بوده و در همه سال های اخیر در کنش ها و فعالیت های مربوط به کانون صنفی

در طول ماه های اخیر فشار بر فعالان صنفی، مدنی و سیاسی از طرف نهاد های امنیتی به صورت گسترده ای افزایش یافته است. این در حالی است که ناکارآمدی و فساد سیستماتیک و فشار تحریم های اقتصادی که حاصل ماجراجویی های هسته ای، نظام سیاسی است، عملاً وضعیت معیشتی مردم ایران را در سخت ترین شرایط ممکن قرار داده است.

به نظر می آید افزایش برخورد های امنیتی با فعالین صنفی و مدنی، در



برگرفت از مدیای اجتماعی

شاپور احسانی را و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قیدو شرط آزاد شود.

توسط حاکمان سرمایه دار به شش سال زندان محکوم شده است و از روز ۲۷ خرداد ۹۹ تاکنون در زندان تهران بزرگ زندانی است.

پیامی از شاپور احسانی را از شرایط خود

شاپور احسانی را کارگر بازنشسته تاملین اجتماعی و نماینده سابق کارگران پروفیل و نورد لوله ساوه و عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران یکی از برجسته ترین نمادهای همبستگی در مطالبه گری طبقه کارگر ایران است.

شاپور از هماینگ کنندگان طومار چهل هزار نفری کارگران برای افزایش مزد و لذا نماینده راستین هزاران و میلیونها نفر از کارگران ایران است و به همین جهت

"زندانی رفتن من به خاطر این است که کارگر هستم و حقوق خودم و هم طبقه ای هایم را طلب کردم و برای ان ایستاده ام "از نظر خودم اگر سیصد دفعه دیگر بمیرم و دوباره در همین طبقه و همین شرایط زنده شوم بازهم همین راه را ادامه میدهم."

"سرمایه داری ایران بدانند که در جهنمی که برای فردستان و مزدبگیران درست کرده خواهد سوخت"

بازنشسته‌ها، در حمایت از مطالبه کرسی معلمان در قبال عملکرد فزاینده حکومت!

اگر امروز معلمان را بیشتر از دیگر اقشار در فشار و منگنه سرکوب قرار داده اند، این فشار و سرکوب دیگر اقشار را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد و از این زاویه است که ما بازنشسته‌ها، ضمن محکوم کردن هر نوع فشار بر معلمان عزیز ایران از احضار و پرونده سازی تا صدور قرار و بازداشت، همبستگی خود را در پشتیبانی از خواسته‌ها و مبارزات بر حق معلمان، کارگران و همه بخشهای تحت ستم اعلام مینماییم.

اتحاد و همبستگی ما شرط پیروزی ماست.
کارگر، معلم، بازنشسته، دانشجو، اتحاد- اتحاد- ۲۸ اسفند ۴۰۰
- گروه بازنشسته‌ها مستقل تهران
- شورای بازنشسته‌ها ایران
- گروه اتحاد بازنشسته‌ها

بار زیر خط فقر، به امپریالیستها، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نشان دهد که ایران به میمنت این حکومت، بهشت کار ارزان و سود آوری سرمایه است.

آنها می خواهند با تحمیل بی حقوقی تمام وسکوت گورستانی بر همه اقشار زحمتکش و ستمدیده، سیاست ریاضت کشی را تحمیل نمایند، ما همصدا و متحد نباید بگذاریم به اهداف کثیفشان نائل آیند.

باید این سیاست تحمیلی جزیره ای را که هر قشر و طبقه ای منافع خود را جدا از منافع دیگر زحمتکشان ببیند را افشا و طرد نماییم.

ما بر این باوریم که منافع همه زحمتکشان زنجیر وار به هم وابسته اند،

وگرنه تاکنون یک ردیف بودجه را برای آن در نظر میگرفت.

دولت و مجلس و شورای نگهبان در یک اقدام هماهنگ از اجرای این تعهد شانه خالی کرده و در همین فاصله هم به ارباب و احضار و بازداشت معلمان دست زده تا به خیال خود که توهمی بیش نیست از هر گونه عکس العمل معلمان جلوگیری کرده باشند.

کارگران، معلمان، بازنشسته‌ها و همه اقشار زحمتکش و ستمدیده میدانند که شرایط کنونی برای آنها بسیار ویژه است.

حکومت سرمایه داران در ایران میخواهد تا آنجا که زورش میرسد فقر و فلاکت و بی حقوقی کامل را بر سرکوب و درنده خویی خاص خود بر همه تحمیل کند، میخواهد با تحمیل حقوقهای چند

همچنانکه پیش بینی میشد مبلغ حدود ۵.۱۳ هزار میلیارد تومانی که مجلس برای رتبه بندی معلمان پیشنهاد کرده بود، بار دیگر از طرف شورای نگهبان به مجلس برگشت داده شد.

از اول هم پیش بینی میشد که این یک بازی است که اولاً دولت و مجلس توپ را به زمین یکدیگر بیاندازند و هرکدام در عدم اجرای رتبه بندی، طرف مقابل را مقصر جلوه دهند، ثانیاً برای مدتی هم که شده معلمان را با وعده های توخالی امید وار کنند تا در فرصت لازم با تهدید، ارباب، دستگیری و زندان صدای آنان را خفه نمایند.

تمام شواهد نشان میدهد که با وجود تحصن و اعتراضات گسترده معلمان، دولت نمیخواهد رتبه بندی را اجرا نماید

دیدار، همسر فرزندان عبدی با اسماعیل عبدی در زندان مرکزی کرج، در محظ تحویل سال ۱۴۰۱

جمع شدن خانواده ها با همراهی دوستان و همکاران در مقابل زندانها و پهن کردن سفره هفت سین به شکلی از اعلام و همبستگی با زندانیان تبدیل شده است. اسماعیل عبدی باید فوراً و بدون قید و شر آزاد شود. زندان می گذراند. با قدرت مبارزاتمان در زندانها را باز میکنیم.

لحظه تحویل سال را کنار اسماعیل عبدی باشند. شایان ذکر است که فتاحی با وجود اینکه با اعتراض معلمان جمع و خانواده عبدی، به دیدار خانواده عبدی با او در زندان تن داد، اما در داخل زندان بر خلاف قانون و مسئولیت زندانبانی خود از خانواده خواسته که در قبال اسماعیل فقط سکوت کنند.



همچنان با زبان تهدید، ارباب و خشونت کلامی خواهان ترک محوطه مقابل زندان شد و گفت: «این منطقه حوزه استحفاظی من است و شما وارد حریم من شده اید.» در این هنگام رسول بدایقی در پاسخ وی گفت: «باشد همه ی زندان برای تو و سهم تو» که این جمله موجب شد رئیس ندامتگاه با تهدید بیشتر و عصبانیت تمام و خط نشان کشیدن، فریاد زد: «شما دارید چرت و پرت می گوید» و با ادبیات توهین آمیز و خشونت در کلام موجب شد که مبینا دختر عبدی با چشمانی گریان اما با صدایی رسا و محکم خطاب به او بگوید: «من از اینجا نمی روم هشت سال است که پدرم را سر سفره هفت سین ندیده ام و خلاصه بعد از این گفتگوها فتاحی ناگزیر پذیرفت که خانواده عبدی

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ساعاتی پیش از تحویل سال خانواده معلم زندانی اسماعیل عبدی به همراه رسول بدایقی، عزیز قاسم زاده، مسعود فرهیخته و رضا مسلمی برای همبستگی با این معلم زندانی سفره هفت سین را در جلوی زندان مرکزی کرج پهن کردند. اما با مخالفت افسر نگهبان ها مواجه شدند و موجب شد که ایرج فتاحی رئیس ندامتگاه مرکزی کرج با حضور در جمع و تهدید حاضران، خواهان جمع کردن سفره و خروج از محوطه شدند. معلمان خواستار این شدند که اجازه داده شود که لحظات تحویل سال را با خاطره ای خوش در آن محوطه بمانند. و سپس آنجا را ترک کنند اما فتاحی

شادباش نوروزی گروه های مستقل بازنشسته‌ها

بسوزاند بساط نفرت و نکبت
دستبند و پابند و زندان،
خاکستر شده به فنا خواهد رفت.
نوروز را "روزی نو"
بر بلندای بهارش،
بر پا خواهیم ساخت!
#بهاران_خجسته_باد
کانون گفتگوی بازنشسته‌ها تامین
اجتماعی
گروه کارگر معلم نوزده اسفند
شورای بازنشسته‌ها ایران

دست در دست هم
همدل و هم نفس
خواهیم پرید،
با آتشی زنده
از التهاب
از شورشها،
گرما خواهیم گرفت
و سرخی اش
با پایکوبی و سرور
میهمان نوع انسان خواهد شد!
گرسنگی در دستان گرم آتش، نیست شود



به زندان انداختن کارگر شهرداری رکوت عبدالله بخاطر پیگیری

مطالبات؛ همداری به کارگران تمام شهرداریها

بندر امام، اروند کنار، منجیل، سراوان، خرمشهر، یاسوج، کوت عبدالله، گلستان و روانسر دست به اعتصاب و تجمع زدند. از طرف دیگر، شهرداری‌ها در شهرهای مختلف بارها اذعان کرده‌اند که توانایی پرداخت حقوق کارگران را ندارند و اینکه نهادهای دولتی نیز بدهی‌های خود را به شهرداری‌ها نمی‌دهند. مسعود نصرتی، قائم مقام سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، «نبود اعتبارات و بودجه لازم (و) فساد مالی و اداری (را دو مشکل عمده شهرداری‌ها عنوان میکند. اما بقول کارگران کوت عبدالله تاوان کمبود بودجه‌ی شهرداری را کارگران نباید بدهند. "هر کارگری کار می‌کند تا حقوق بگیرد، ما کار می‌کنیم اما نه حقوق مان را کامل می‌دهند و نه حق بیمه‌ی ما را کامل پرداخت می‌کنند».

بازداشت و تقاضای واگذاری وثیقه یک میلیارد تومانی از نمایندگان کارگرانی که بخاطر طلب ماه‌ها حقوق معوقه اعتراض می‌کنند؛ و بدنبال آن به زندان انداختن آنها بخاطر عدم توانایی به گروه گذاشتن این مبلغ؛ تنها گوشه‌ای از سیاست‌های کلی دست اندرکاران حکومتی است که قادر به جوابگویی هیچ یک از مطالبات کارگران و دیگر اقشار محروم جامعه نیست. هراسان از شروع اعتراضات و اعتصابات سراسری، تنها راه را سرکوب هرچه بیشتر این مبارزات میدانند. از طرف دیگر برای کارگران شهرداری کوت عبدالله و دیگر کارگران شهرداری در دیگر شهرها تنها راه مقابله با این حمله سراسری مقاومت و مبارزه سراسری و در اتحاد با دیگر کارگران و مزدبگیران جامعه است.

هیئت تحریریه‌ی رسانه‌های اتحادیه آزاد کارگران ایران
برگرفته از مدیای اجتماعی

در خبرها آمده است که اخیراً کارگران شهرداری کوت عبدالله بخاطر حقوقهای معوقه برج‌های ۱۰۹ و ۱۱ و همچنین بخاطر واریز شدن ناقص حق بیمه‌ی آن‌ها بمدت ده روز دست به تجمع اعتراضی در مقابل استانداری اهواز می‌زنند. نمایندگان آنها از طرف دادستانی احضار میشوند. وقتی یکی از نمایندگان به بازرسی می‌رود بخاطر شکایتی که از کارگران معترض شده است بازداشت میشود. برای کارگر بازداشت شده یک میلیارد تومان وثیقه تعیین میشود و چون کارگر نمیتواند این وثیقه را پرداخت کند، زندانی میشود. به گفته کارگران، شهرداری ادعا میکند که "شکایت" از طرف شهرداری نبوده است. اما برای کارگران مهم نیست که چه ارگان و یا سازمانی از کارگران شکایت کرده است؛ شهرداری کوت عبدالله و یا پیمانکار. احضار نمایندگان کارگران شهرداری کوت عبدالله از طرف دادستانی، بازداشت یکی از کارگران، آزادی این کارگر به شرط تودیع وثیقه یک میلیارد تومانی و بالاخره زندانی شدن این کارگر بخاطر نداشتن وثیقه؛ همه اینها یک عمل بی‌شماره و هشداری جدی نه تنها به کارگران شهرداری کوت عبدالله بلکه برای حدود نیم میلیون کارگران شهرداری‌ها در کشور است. امروز نوبت کارگران شهرداری کوت عبدالله، فردا نوبت کارگران شهرداری در دیگر شهرها است!

کارگران شهرداری در شهرهای مختلف ایران سابقه طولانی از تلاش و مبارزه برای احقاق حقوق خود دارند. محور مشترک همه این اعتراضات، اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و حق بیمه، قراردادهای موقت کاری و نداشتن امنیت شغلی و شرایط اسفناک کاری است. برای نمونه تنها در ماه‌های اردیبهشت و خرداد سال ۱۳۹۹ کارگران شهرداری برای پیگیری خواسته‌ها و مطالباتشان در حداقل پانزده شهر یعنی در شهرهایی چون تهران، کرج، اهواز، شاهین شهر، بجنورد، مشهد،

حمایت اتحادیه معلمان ایرلند از اعتراضات معلمان در ایران

۳. اجرای لایحه رتبه بندی و همسان سازی معلمان.
۴. استخدام دائم معلمان قراردادی در خدمات آموزشی.
۵. به رسمیت شناختن حقوق معلمان برای برگزاری تظاهرات بدون سرکوب، دستگیری یا ارباب.
دبیر کل محترم
من این نامه را از طرف اتحادیه معلمان ایرلند (TUI) که نماینده بیش از ۱۹۰۰۰ معلم و مدرس ایرلند که در دبیرستانها و آموزش عالی مشغول تدریس هستند برای شما می نویسم.
ما به شدت نگران هستیم که حکومت ایران به سرکوب و زندانی کردن معلمان به خاطر استفاده از حقوق اولیه انسانی شان که همانا آزادی بیان و آزادی برگزاری تجمع است، اقدام کرده است. معلمان در حمایت از شرایط بهتر و دریافت حقوق معوقه خود درگیر اعتراضات و فعالیت های صنعتی بوده اند.

اتحادیه معلمان ایرلند از اعتصابات و اعتراضات معلمان و خواسته های آنها بی هیچ چون و چرایی حمایت می کند. ما با احترام از شما می خواهیم که در این مورد مداخله کنید:
۱. توقف سرکوب، دستگیری و اخراج معلمان و فعالان صنفی.
۲. اطمینان از آزادی تمامی معلمان که زندانی شده اند.

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande

بیانیه های نوروزی کارگران، بیانیه های اعتراض



تشکلهای مختلف کارگری و بخش های معترض جامعه با بیانیه های اعتراضی خود به استقبال سال ۱۴۰۱ رفتند.

یک نمونه آن بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران است که در بخشی از آن چنین آمده است: "ریشه ها ممکن می گردد.

سال و سالها چه سخت و زُمخت بر جامعه ما گذشته است و سیاهی شب و سرمای زمستان چه جانها و چه عمرهایی از ما گرفته است. اما تلاش انسانها برای تغییر و گذار از این زمستان، همچون تَقْلاي ریشه ها و گیاهان همچنان در جریان است و به زمستان حاکم بر این دیار پایان خواهد داد.

سال گذشته سالی به مراتب سخت تر برای کارگران و مزدبگیران و کل مردم ایران بود. مشکلات معیشتی و فقر و گرانی تحمیل شده به جامعه، آمان از جان انسانها برده است و تداوم چنین شرایطی به هیچ عنوان ممکن نیست. اما در مقابل چنین شرایطی، مبارزه ی آحاد و بخش های جامعه برای تحول خواهی و نیل به گذار از مناسبات ضدانسانی موجود، آن موتور محرکه ای است که نوید پیروزی و دستیابی به جهانی بهتر را می دهد.

سال جدید را با تلاشی مضاعف برای غلبه بر تمامی مشقات تحمیل شده بر جان و هستی اجتماعی مان آغاز خواهیم کرد و اتحاد و همبستگی سراسری تمامی کارگران و مزدبگیران و آزادیخواهان را سرلوحه قرار خواهیم داد."

شورای بازنشستگان ایران نیز به مناسبت سال جدید بیانیه ای داده است که در بخشی از آن چنین آمده است: "در سالهای اخیر، زندگی مردم در میان درد و رنج تلاش معاش در همه عرصه های کسب معیشت برای بقاء، در کارگاه ها و کارخانه ها و با بی حقوقی و بی ثباتی نیروی کار و لشکر بیکاران، سخت کوشی کم حاصل کشاورزان در مزارع تحت سلطه مافیای واسطه ها و زیر شعله های زرد و بی رمق دست فروشی افراد بی ثبات کار، زباله گردی، کارتن خوابی، تن فروشی، آوارگی و بی مسکنی، در فضای پرمخاطره و آلوده کرونائی، با چشم انداز سلب شدن بدیهی ترین امکانات ضروری از زندگی

مردم، بر متن مناسباتی سراسر تبعیض آمیز، در مقابل بیسابقه ترین اعتراضات اجتماعی، چهره و سیمای آشکار جامعه بوده است

در چنین فضایی، دستگیری و زندان مردم معترض و عصیان زده و عزادار شدن بسیاری از خانواده ها ی فقر زده، فشارهای کمرشکن معیشتی و بحران بیکاری، راههای منتهی به برگزاری جشنها و پایکوبی و شادی و سرور کارگران و مزدبگیران، بر منای شعف و نشاط عمومی مسدود شده است.

اما ما مردم این پهنه ی مصیبت زده علیرغم تحمیل زخم های عمیق بر پیکره خود، با نفرت و انزجار عمومی از سودجویان در حلقه ی قدرت، هیچگاه تلاش و مبارزه خود را در نفی و عدم پذیرش شرایط موجود متوقف نکرده و با برپایی تجمعات، اعتصابات و جنبش های گوناگون اعتراضی، اعم از کارگری، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و سایر جنبش های مطالباتی، بطور ممتد و منسجم، به مقابله با شرایط ظالمانه و تبعیض آمیز رفته ایم.

با گذر از چنین اوضاع اسفناک و غیرقابل تحملی و با اعلام حمایت و همدردی با خانواده های سوگوار، زندانیان معیشتی، سیاسی و اجتماعی، عید امسال را بر شانه های زخمی و سفره خالی خود برگزار کرده که چراغ زرین امید و رهائی را بر ورودیهای فردایی بهتر آویخته ایم.

به همین مناسبت فرارسیدن عید نوروز را به همه ی مردمی که آغاز فصل بهار را نویدبخش زندگی و تحول و نوشدگی میدانند، علیرغم تلخکامی های فراوان موجود، شادباش میگوئیم؛ باشد که مطالبه گری و دادخواهی ما تا دستیابی به رفاه و شادی عمومی در سال آتی پرشورتر از قبل تداوم یابد.

یک نمونه دیگر از این بیانیه ها از سوی کانون نویسندگان ایران منتشر شده است. در بخشی از آن چنین آمده است: "در سالی که گذشت، فقر و فلاکت، تورم و بیکاری، و تبعیض و بی عدالتی، چهره ی کربه خود را بیش از پیش به اکثریت عظیمی از مردم نشان داد.

خانواده هایی را از هم پاشاند، کودکانی را از تحصیل باز داشت، بیمارانی را به علت ناتوانی از تأمین هزینه های دارو و درمان به کام مرگ فرستاد و جوانان فرهیخته ی بسیاری را برای دستیابی به آینده ای روشن، ناگزیر به ترک یار و دیار کرد.

در سالی که گذشت، سانسور و سرکوب آزادی بیان همچنان ادامه داشت و گاه حتی رکوردهای تازه ای از خود بر جا گذاشت، تا جایی که صدای اعتراض برخی از تن دادگان به سانسور را بلند کرد.

سالی که گذشت یکی از اندوهناک ترین سالها برای کانون نویسندگان ایران بود. چندین تن از اعضای کانون، همهی سال، یا بخشی از آن را در زندان گذراندند و یکی از آنان، بکتاش آبتین، بر اثر بی توجهی عامدانه ی زندانبانان جان جوان و گرامی اش را از دست داد.

در سالی که گذشت، آتش خانمان سوز جنگ در نقاطی از خاورمیانه همچنان شعله ور بود و رویای صلح جهانی با فاجعه ی جنگ روسیه و اوکراین بیش از پیش به مخاطره افتاد.

باری، اکنون اما در آستانه ی بهار نوروز، شرح درد و رنج از این بیش زینده نیست. باشد که نوروز و نسیم بهاری بر جانهای ما همان گونه وزیدن گیرد که بر زمین سرمازده و طبیعت بی جان؛ تا بار دیگر همچون سبزه از خاک سر برآیم و، همچون درخت بشکوفیم و، همچون پرندگان خوش آواز، سرود شادمانی و آزادی سر دهیم."

کانون نویسندگان ایران، نوروز را به مردم ایران و همهی کسانی که در هر جای دنیا نوروز را جشن می گیرند، شادباش می گوید و برای آن ها سالی سرشار از رفاه، تندرستی، شادمانی، صلح و آزادی آرزو می کند.

این چنین است که کارگران بازنشستگان و بخش های مختلف جامعه با بیانیه های اعتراضی و با اولتیماتوم هایشان برای پیگیری خواستها و مطالبات خود به استقبال سال ۱۴۰۰ رفتند. به امید سالی پر از موفقیت و پیروزی، نوروزتان شاد.

آنجا: آزادی، برابری و رفاه برقرار باشد.

کارگران و مردم جهان، خورشید در حال طلوع است و به ناینیایی ها پایان خواهد بخشید. سر نگون باد مستبدین و جلادان، مرده باد فرانسه، زنده باد بشریت.

#پیام کمونارد های پاریس - به مردم جهان - ۱۸۷۱
برگرفته از مدیای اجتماعی

۱۸ مارس ۱۸۷۱

سالروز واقعه تاریخی کمون پاریس کشور واژه ای است اشتباه و غیر علمی، اما انسانیت واژه ای است درست و واقعی. اسامی کشورها، واژه گانی هستند نظیر بُت ها و خدایان که توسط روحانیون و پادشاهان ساخته شده اند تا انسان ها را در محدوده ی معینی محصور و در جهت منافع شخصی خود بکار گیرند.

اینکه ما به طور تصادفی در اینجا یا آنجا متولد شده ایم، ملیت ما را ساخته و از ما دوست و دشمن می سازد. بیایم اسامی کشورها را به واژه گانی توخالی و بی ارزش تبدیل کنیم. کشور ما جایی است که در

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



از طرف کارگران معدن مس سونگون و رزقان

برگرفته از کانال تلگرامی اتحادیه آزاد کارگران ایران

کارگری ۱۴۰۰ آذربایجان و تبعیت و الگو برداری دیگر تحرکات کارگری از این مجموعه (اخراج چند مدیر فاسد شرکتهای صنعتی در تبریز پس از اخراج کردن مدیران فاسد سونگون توسط پرسنل معترض) و حمایت سایر گروههای مدنی و سیاسی از اعتراضات اخیر سونگون (محکوم کردن تراژدی ترور معترضان با جرتقیل)، مسئولین امنیتی از افزایش روزافزون اعتراضات کارگری در این منطقه و قدرت نمایندگان پرسنل هراس داشته و به همین خاطر با کارشکنی و سنگ اندازی سعی در تاخیر تحقق مصوبات دارند تا از اهمیت اعتراضات کارگری و اعتبار و محبوبیت نمایندگان و رهبران کارگری این مجموعه بکاهند.
معدنچی بولداس
از کارگران مجتمع مس سونگون و رزقان

در حالی که شش ماه از تصویب خواسته‌های بجا و قانونی کارگران معدن مس سونگون میگذرد، هنوز هیچگونه اصلاح و افزایش حقوق و مزایا مشاهده نمیشود و مسئولین استانی و معدن همچنان وعده‌های سرماه و سرهفته میدهند. علت عدم تحقق مصوبات علیرغم دستور مدیرعامل شرکت ملی مس و استاندار را میتوان در دو بند بررسی کرد؛

یک: شرکتهای پیمانکاری سعی دارند با موکول کردن تغییرات حقوق و مزایا به سال بعد و ترکیب آن با افزایش حقوق سال جدید، کمترین ضریب ممکن را به طور ناملموس اعمال کنند.

دو: با توجه به موقعیت جغرافیایی و استراتژیک منطقه و محسوب شدن سونگون به عنوان قطب صنعتی و معدنی استان آذربایجان و پیشتازی در اعتراضات

اعتراض رانندگان خودروهای سنگین به افزایش حق بیمه

به رانندگان خودروهای سنگین سختی کار تعلق نمیگیرد و حتی مرخصی استعلاجی هم ندارند. و وقتی هم کارشان را از دست میدهند خبری از بیمه بیکاری نیست و اینها همه موضوعات اعتراض آنهاست. و در رابطه با این موضوعات آنها بارها تجمع و اعتراض داشته اند. یک نمونه آن اعتراضات قدرتمند و سراسری آنها در سال ۹۷ است. با اتکاء به تجربیات آن مبارزات و در فضای پر تلاطم امروز زمینه برای رفتن بسوی اعتراضی سراسری بسیار فراهم است. پیش بسوی اعتصابات سراسری

روز ۲۶ اسفند رانندگان خودروهای سنگین برون شهری، در اعتراض به افزایش ۶۰ درصدی حق بیمه در سال ۱۴۰۱ تجمع کردند.

به گفته رانندگان معترض حداقل مبلغ پرداختی بیمه توسط رانندگان در سال آینده، ۶۰ درصد افزایش یافته و یک میلیون و ۸۷۰ هزار تومان تعیین شده است. افزایش حق بیمه در کنار بالا رفتن قیمت لوازم یدکی فشار معیشتی بر این رانندگان را تشدید میکند. بعلاوه علیرغم کار پر مخاطره رانندگی در مسیرهای طولانی آنها در جاده های نا امن و مرگبار



اعتراض کارکنان رسمی سکویهای گازی پارس جنوبی

پلکانی میزان مالیات افزایش می یابد از جمله به حدقل مزد تا ۱۵ میلیون ۱۰ درصد و از ۱۵ تا ۲۵ میلیون ۱۵ درصد مالیات و بین ۲۵ تا ۳۵ میلیون ۲۰ درصد مالیات تعلق میگیرد. به این ترتیب در حالیکه حقوقهای نجومی بر سر جای خود باقیست و بودجه دستگاه های سرکوب حکومت افزایش چشمگیر داشته است، حکومت معیشت و زندگی کارگران را نشانه رفته است. لایحه بودجه حکومت موضوع اعتراض کارگران، « معلمان بازنشستگان و همه مردم است.

روز یکشنبه ۲۹ اسفند ۱۴۰۰، کارکنان رسمی شاغل در سکویهای دریایی میدانهای گازی پارس جنوبی در اعتراض به مغایرت بند ۵ تبصره ۱۲ بودجه ۱۴۰۱ با مجموعه قوانین مالیاتهای مستقیم " ماده ۸۲، ۸۳، ۸۴" و همچنین " حکم ۶۰۱ دیوان عدالت اداری" با در دست داشتن کاغذنوشته‌هایی و انتشار تصاویر آن دست به تجمع زدند. این کارگران در شب گذشته نیز تجمع داشتند.
بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۱ به دستمزد بالای ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان مالیات تعلق میگیرد و بعد از بصورت

یک کارگر سیمان سپاهان به حبس و تبعید محکوم شد

اعتصاب زدند. شمار زیادی از کارگران به دلیل پیگیری مطالبات معیشتی و شغلی خود، در آستانه سال نو از کار اخراج و با مشکلات معیشتی بسیاری دست به گریبان شده‌اند. بنابر اذعان مدیرعامل شرکت سیمان سپاهان، اخراج کارگران معترض بر اساس دستور نهادهای امنیتی شهرستان مبارکه صورت گرفته است.
صدور حکم زندان برای عباس غفاری و اخراج کارگران معترض یک تعرض آشکار به کارگران سیمان سپاهان و به همه کارگران است. این تعرض گستاخانه باید با اعتراض کارگران سیمان سپاهان و اعتراضی سراسری پاسخ بگیرد.

بنا بر خبرهای منتشر شده عباس غفاری از سوی شعبه یک دادگاه عمومی حقوقی دادگستری شهرستان مبارکه، به یک سال حبس تعزیری و ۲ سال تبعید به شهرستان میرجاوه در استان سیستان و بلوچستان محکوم شده است. اتهام انتسابی علیه وی، "تبلیغ علیه نظام" از طریق تشکیل گروه در شبکه‌های اجتماعی در خصوص اعتراضات کارکنان سیمان سپاهان و ارتباط با شبکه‌های معاند! عنوان شده است. کارگران سیمان سپاهان از ابتدای سال جاری در اعتراض به وضعیت فاجعه‌بار معیشتی و شغلی، خلف وعده مسئولان در خصوص افزایش حقوق و مزایا، قطع کارانه بهره‌وری و بسیاری موارد دیگر، دست به اعتراض و